

# نخستین روزنامه‌های زنان در ایران

معصومه خداداد

تاریخ‌شناس ارشد تاریخ

قرون و اعصار دانست.

از مجموعه این بحث نتیجه میگیریم، که انقلاب مشروطیت، بهمان اندازه که در جامعه ایران تأثیر گذار بوده و سیمای آنرا دگرگون ساخته، به همان اندازه در رشد نهضت بیداری زنان پیشرو و روشنفکر، و گرایش آنان به سوی آزادی و مساوات نیز اثر گذار بوده است.

## مجله دانش

نخستین نشریه‌ای که به‌خاطر دفاع از حقوق زنان و نشان دادن ارزش آنان در صدر مشروطه انتشار یافت نشریه «دانش» بود. که در دهم ماه رمضان سال ۱۳۲۸ ه. ق. (۱۲۸۹ شمسی) نخستین شماره آن در تهران انتشار یافت. صاحب امتیاز و ناشر آن، دکتر کحال دختر یعقوب جدید الاسلام همدانی همسر دکتر حسن کحال تهرانی مدیر روزنامه‌ی استقلال بود [شیخ اسلامی، ۸۲: ۱۳۵۱] که البته محیط طباطبایی در کتاب تاریخ تحلیلی جراید و مطبوعات معتقد است «که خانم دکتر کحال هیچ‌گونه انتساب نسبی با آقای دکتر حسین کحال مدیر روزنامه‌ی استقلال نداشته و تنها ارتباط میان آنها فنی بوده یعنی هر دو چشم پزشک بودند» [محیط طباطبایی، ۱۷۲: ۱۳۷۵]

مجله‌ی دانش، به‌طور هفتگی معمولاً روی هشت صفحه به‌قطع وزیری و با چاپ سربی (مطبعه روسی) طبع شده و مندرجات آن اختصاص به زنان داشته و روش خود را، تربیت نسوان و دوشیزگان و تصفیه اخلاق بانوان می‌دانسته این نشریه به دلیل چاپ مقالاتی در حمایت از حقوق زنان حائز اهمیت است. از چه‌گونه‌ی انتشار و نوع مندرجات آن اطلاع بیشتری در دست نیست. متأسفانه عمر روزنامه کوتاه بود و پس از مدتی به دلیل مشکلات مالی که درآمد آن کفاف مخارج را نمی‌داد به تعطیلی اجباری در سال ۱۳۲۹ ه. ق. انجامید. [صدر هاشمی، ۱۳۲۷ جلد چهارم: ۲۶۶]

## روزنامه‌ی شکوفه

دو سال بعد از انتشار مجله‌ی دانش، نخستین روزنامه‌ی زن ایرانی به نام شکوفه به صاحب امتیازی بانو مزین السلطنه دختر میرزا سید رضی خان دکتر طباطبائی سمنانی (رئیس الاطباء) مؤسس و مدیر مدرسه مزینیه در ذیحجه سال ۱۳۳۰ ه. ق برابر با سال ۱۲۹۲ شمسی منتشر شد. در بالای روزنامه نوشته شده بود «مسئوله: مزین السلطنه - صبیبه مرحوم آقا میرزا سیدرضی رئیس الطباء» و همچنین در همه شماره‌ها یک تک بیتی با مضمون:

باد آمد و بوی عنبر آورد  
بادام و شکوفه بر سر آورد  
چاپ می‌شد. شکوفه روزنامه‌ی کوچکی بود که با چاپ سنگی در

## □ درآمد

آغاز کار مطبوعات را می‌توان از سال ۱۲۵۳ ه. ق که روزنامه‌ی میرزا صالح شیرازی در تهران به نام کاغذ اخبار انتشار یافت، دانست. در آن زمان کسی فکر نمی‌کرد که روزی فرا رسد و زنان اندرون‌نشین دوره‌ی قاجار دست به قلم برده و شروع به نوشتن و روزنامه نگاری کنند. این فرصت را نهضت مشروطیت به زنان ایرانی داد تا از اندرون خارج شده و پا به پای مردان نه تنها در انقلاب مشروطه شرکت نمایند بلکه به انتشار روزنامه‌های مخصوص نسوان نیز بپردازند.

نهضت مشروطیت ایران که با انتشار مقالات انقلابی در مطبوعات و جنبش‌های پراکنده و تشکل‌های مردمی آغاز شد. میدان تازه‌ای بود برای زنان دبیر ایرانی که هم‌زمان با بانگ مبارزه با استبداد و همکاری با مردان انقلابی فریاد مظلومیت خویش را در صفحات روزنامه‌ها سر دهند. سهم مردان مترقی و آزادی‌خواه را در پیشرفت نهضت بیداری زنان ایران نمی‌توان نادیده انگاشت. از میان مردان متدین سیدجمال واعظ، ملک المتکلمین بیش از همه با سخنرانی‌های مهیج و ترقی خواهانه‌ی خود به این نهضت کمک کردند. زنان وطن پرست ایرانی تحت تأثیر سخنان این بزرگواران بزرگ‌ترین فداکاری‌ها را در راه پیشرفت و ترقی کشور از خود نشان دادند. غیر از روحانیون آزادیخواه و مترقی نویسندگان و شاعرانی چون: صوراسرافیل، عارف قزوینی، ایرج میرزا، ابوالقاسم لاهوتی، میرزاده عشقی، دهخدا و ملک‌الشعرای بهار با اشعار انقلابی و نوشته‌های انتقادی چنان تأثیری در نهضت داشتند که هنوز هم آثار آن را در بیداری زنان ایران و انتشارات نشریات اختصاصی زنان به طور انکار ناپذیر می‌توان دید.

بی‌شک ابراز چنین تهوری در آن دوره، نخست از جانب مردان لازم بود تا زنان با پشت گرمی و اطمینان بیش‌تر به نشر افکار و اندیشه‌های خود در صفحات مطبوعات بپردازند. در حقیقت بیداری زنان ایران را که کاملاً با جنبش‌های ترقی خواهانه توده‌های ملت ایران بستگی دارد، جدا از تاریخ انقلاب مشروطه ایران نمی‌توان مطالعه کرد.

قدیمی‌ترین نشانه‌ی بی‌که از انتشار یک نشریه‌ی تخصصی بانوان در دست است، مربوط به سال ۱۳۲۸ ه. ق / ۱۲۸۹ ش بوده که اگر این تاریخ را با تاریخ نشر اولین روزنامه در ایران مقایسه کنیم ۱۲۵۳ ه. ق می‌بینیم که بین انتشار نخستین روزنامه عمومی و اولین نشریه‌ی اختصاصی زنان هفتاد و پنج سال فاصله است. یعنی زنان ایران سه ربع قرن بعد از مردان دست به قلم برده و بکار روزنامه نگاری پرداختند.

این فاصله زمانی را نخست باید به دلیل عدم توجه جامعه نسبت به زنان و محدودیت‌ها و محرومیت‌های آنان و از سوی دیگر بدلیل عدم آمادگی خود بانوان، برای نیل به حقوق حقه خویش و نجات از قید ستم

سه صفحه مطلب و یک صفحه کاریکاتور اجتماعی به چاپ می‌رسید. در سر لوحه روزنامه این جملات دیده می‌شد:

«روزنامه‌ی ست ادبی، اخلاقی، حفظ الصحة، اطفال، خانه‌داری، بچه‌داری، مسلک مستقیمش تربیت دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان، راجع به مدارس نسوان، فعلاً ماهی دو نمره نشر میشود، مسئول، مزین السلطنه صیبه مرحوم آقا میرزا سیدرضی رئیس الاطباء» [شیخ اسلامی، ۸۷: ۱۳۵۱ و ۸۳]

یکی از مشخصات این روزنامه چاپ کاریکاتورهای اجتماعی بود. این روزنامه بعد از شروع جنگ جهانی اول و عوارض ناشی از آن نامنظم شد. این روزنامه نقش مؤثری در پیشرفت زنان ایران داشت. برای تعیین روش روزنامه باید دوره انتشار آن را به دو قسمت تقسیم کرد.

مرحله‌ی اول از شماره‌ی یکم تا دهم مقالات روزنامه بیش‌تر درباره مساله تساوی حقوق زن و مرد و توسعه امور فرهنگی در بین زنان و مدارس دخترانه و غیره بود.

در مرحله‌ی دوم از شماره‌ی دهم تا پایان انتشار روزنامه ارگان انجمن خواتین (انجمنی که توسط خانم مزین السلطنه به وجود آمده بود) شده و روش سیاسی در پیش می‌گیرد. از این پس مسئله استقلال ملی و مبارزه با نفوذ خارجی را مورد بحث قرار می‌دهد. [هاشمی، ۱۳۲۷، جلد چهارم، ۲۶۷]

## روزنامه‌ی زبان زنان

روزنامه دیگر **زبان زنان** بوده که توسط صدیقه دولت آبادی خواهر حاج میرزا علی محمد دولت آبادی در سال ۱۳۳۷ هـ. ق / ۱۲۹۷ شمسی سه سال بعد از تعطیلی روزنامه شکوفه در اصفهان انتشار یافت. او ارگان روزنامه خود را مبارزه با خرافات و جهل و انتشار افکار سیاسی در میان زنان بیان میکند. [طباطبائی، ۱۷۲: ۱۲۷۵] این روزنامه هر پانزده روز یک بار منتشر میشد. و حاوی مقالاتی درباره حقوق زنان و مبارزه با استبداد بود. از شماره پنجم کم‌کم **زبان زنان** از مسیر خود پافرازر گذاشته و به چاپ مقالات سیاسی پرداخت. در مقاله‌ای تحت عنوان «زنده باد قلم» علیه استبداد دوره قاجار نوشت و هنگامی که وثوق الدوله قرارداد ۱۹۱۹ را با انگلستان منعقد کرد، این روزنامه تنها روزنامه اصفهان بود که با درج مقاله‌ای تند نسبت به آن اعتراض کرد که باعث توقیف روزنامه شد. از این زمان به بعد این روزنامه با تیراژ ۲۰۰۰ نسخه به چاپ میرسید و فقط در اصفهان پخش میشد. بعد از دو سال انتشار دوباره به دلیل نوشتن مقالات انتقادی به دولت سپهدار اعظم و حکومت سردار محتشم بختیاری از طرف حکومت اصفهان توقیف شد.

بعد از مدتی **زبان زنان** به صورت مجله اجازه نشر یافت. روی جلد مجله جمله «الجنه تحت اقدام الامهات» نوشته شده بود و تا اواخر دوران پهلوی اول انتشار آن ادامه یافت. [شیخ اسلامی، ۸۸: ۱۳۵۱]

## نامه‌ی بانوان

روزنامه‌ی **نامه بانوان** توسط شهناز آزاد، دختر میرزا حسن رشديه، همسر میرزا ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای مدیر روزنامه «آسایش» در هشت صفحه مقطع خستی و با چاپ سربی در چاپخانه «حکیمیان تهران»

منتشر می‌شد. او کار روزنامه نگاری را از پدر و همسرش آموخت و در این زمینه به شهرت و معروفیت زیادی دست یافت. [طباطبائی، ۱۷۳: ۱۳۷۵]

شماره‌ی اول آن در تاریخ آدینه ۱۵ مرداد ۱۵۲۰ باستانی، مطابق اسد ۱۲۹۹ خورشیدی، ۱۲ ذیقعد ۱۳۳۸ قمری و ۲۲ ژوئیه ۱۹۲۰ مسیحی نشر یافت. در آغاز **نامه‌ی بانوان** نوشته شده بود «آنچه بر سر فرد یا هیات اجتماعی آمده است، از جهل و نادانی خود اوست و بس برای پیش برد همین مقصود نامه بانوان اشاعت می‌یابد...» [صدر هاشمی ۱۳۲۷، جلد چهارم: ۲۶۲] در سر مقاله شماره اول نوشته شده بود. «بنام یزدان دانا و توانا. وجوب تعلیم نسوان یا ششصد کرور زنده بگور، بگفتن آسان و تصورش خارج از امکان... این سرمقاله دو صفحه روزنامه را فرا گرفته بود. مندرجات شماره اول بعد از سر مقاله مقالات مختلف راجع به نسوان و مختصری «اخبار مهمه داخله» و «اخبار مهمه خارجه» و اشعاری از میرزاده‌ی عشقی در آن دیده می‌شد. [شیخ اسلامی، ۹۹: ۱۳۵۱]

این روزنامه ماهی دوبار انتشار و توزیع می‌شد و به عنوان شعار در بالای آن این جمله دیده می‌شد که «زنان نخستین آموزگاران مردانند. این روزنامه برای بیداری و رستگاری زنان بیچاره و ستم‌کش ایران است.»

## مجله‌ی عالم نسوان

این مجله از سال ۱۲۹۹ شمسی به مدت سیزده سال به‌طور منظم منتشر شد که ارگان فارغ التحصیلان عالی مدرسه دخترانه امریکایی بود. مؤسس و صاحب امتیاز آن نوابه صفوی و در چهل صفحه، ماهانه نشر می‌یافت. برتری این نشریه نسبت به سایر نشریات بانوان این بود که اداره آن بوسیله هیات تحریریه و امور اداری انجام می‌شد. اعضای هیات تحریریه در سال اول، خانم طیبه میردامادی، اشرف نبوی، هما محمودی، نوابه صفوی، معصومه فیلی، فروزان، فرخنده سمیعی، بدرالملکوک و خانم ملک زاده بودند.

**عالم نسوان** هدف انتشار خود را چنین بیان می‌کند: «... غرض از تأسیس عالم نسوان تعاون و ترقی نسوان و تشویق آنان به خدمت وطن و خانواده و حسن اداره امور تربیتی می‌باشد...» [شیخ اسلامی، ۱۲۴: ۱۳۵۱]

در هر دو ماه یک شماره از این مجله چاپ و توزیع می‌شد و فقط مطالبی را که برای بانوان ایرانی با اهمیت می‌دانستند، به چاپ می‌رساند. ۱- مقاله صحیه، که در هر شماره به قلم یکی از اطباء مجرب و مشهور نگاشته می‌شد.

۲- دستور پرستاری و تربیت اطفال

۳- امور تربیتی، در راه سعادت و آسایش خانواده.

۴- اخبار ترقی نسوان.

۵- مدل لباس.

۶- مقالات ادبی و آثار منظوم و نثر محترمانه ادبیه ایران.

مجله نسوان برای تشویق زنان و دختران ایرانی به نویسندگی مسابقاتی ترتیب می‌داد. این مجله تا سه سال اول انتشار سعی می‌کرد نویسندگان فقط زن باشند ولی از سال سوم به بعد از نویسندگان مرد نیز مقالاتی در مجله به چاپ رساندند [شیخ اسلامی ۱۲۷: ۱۳۵۱] در

هر شماره روی جلد، بالای اسم مجله عبارت و یا شعری بعنوان شعار مخصوص چاپ می‌شد.

شماره‌ی اول «الجنة تحت اقدام الامهات»

شماره‌ی دوم

بوی چشم ابناى آن خانه کور که بانوی آن باشد از علم دور در بیش‌تر شماره‌های سیزده ساله این مجله از این قبیل اشعار روی جلد مجله به چاپ می‌رسید متأسفانه دوره کامل سیزده ساله مجله عالم نسوان در هیچ‌یک از مراجع و کتابخانه‌ها به دست نیامد. تنها شش شماره مجله موجود می‌باشد. [شیخ الاسلامی، ۱۳۵۱، ۱۲۸]

## مجله‌ی جهان زنان

یکی دیگر از نشریات اولیه زنان که در سال ۱۲۹۹ شمسی با جتجال و هیاهوی فراوان انتشار یافت و خیلی سریع نیز به تعطیلی کشیده شد، **جهان زنان** بود. صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن خانم فخر آفاق پارسا، همسر فرخ دین پارسا بود که خود به روزنامه‌نگاری اشتغال داشت. این مجله در مشهد در ۲۴ صفحه به قطع کوچک در مطبعه سربی در چاپخانه طوس در تاریخ ۱۲۹۹ شمسی مطابق با ۲۵ جمادی‌الاولی هجری قمری، برابر با ۴ فوریه ۱۹۲۱ میلادی منتشر شد. قیمت اشتراک آن برای داخله سالیانه ۳۰ قران، شش ماهه ۱۸ قران، برای خارجه سالیانه ۴۰ قران و بهای تک شماره دو قران بود. این مجله هر ماه دو شماره منتشر می‌کرد و مندرجات آن بیشتر امور مربوط به زنان و تربیت آنها بوده است. فهرست مندرجات هر شماره در ابتدا صفحه چاپ می‌شد. فهرست شماره اول عمل و امل، زنان جهان لزوم تعلیم زنان، بچه پروردن، زنان نامی، پخت و پز، مفاخر زنان، اشعار مطایبه، سیاست‌گذاری، اطلاع‌اولین خدمت [صدر هاشمی، ۱۳۲۷، جلد دوم: ۱۸۲]

این مجله تا چهار شماره در مشهد انتشار یافت و پس از انتقال فرخ پارسا به تهران پس از شش ماه شماره پنجم آن در تهران منتشر شد که به دلیل چاپ مقاله‌ای از طرف سردبیر (خانم آفاق پارسا توقیف و تعطیل شد. و سردبیر نیز به همراه همسرش تبعید گردید. [شیخ الاسلامی، ۱۳۵۱: ۱۰۶]

جالب‌ترین نکته‌ای که در انتشار «جهان زنان» به چشم می‌خورد این مطلب بود مجله جهان زنان جایزهای معین کرده برای کسانی که بتوانند یک غلط املائی انشائی علمی و تاریخی در مندرجات آن بیابند.

برای هر غلط تاریخی و علمی یک پنج هزارى طلا و برای هر غلط املائی و انشائی یک دو هزارى طلا [خسروپناه، ۱۳۸۱، ۲۴۹]

## مجله‌ی جمعیت نسوان وطنخواه ایران

جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران در سال ۱۳۰۲ شمسی توسط عده‌ای از بانوان روشنفکر و مترقی به وجود آمده بانوانی که افراد خانواده و یا همسرانشان افکار چپ داشتند. در پی گسترش فعالیت این جمعیت هیات مدیره‌ی آن بر ضرورت انتشار نشریه‌ای که دیدگاه و هدف‌های آنان را تبلیغ کند واقف شد. از این رو ملوک اسکندری امتیاز ماهنامه‌های به نام مجله‌ی **جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران** را در سال ۱۳۰۲ گرفت. [خسرو پناه، ۱۳۸۱، ۲۵۴] خانم محترم اسکندری دختر شاهزاده علیخان (محمدعلی میرزا اسکندری) از شاهزادگان تجدد خواه قاجار

بود.

این مجله نامنظم به چاپ می‌رسید مندرجات آن غالباً مربوط به زنان، تربیت دوشیزگان و خطرات ازدواج زود هنگام دختران خردسال و اصلاحات اجتماعی بود. بانوانی که با مجله همکاری می‌کردند: فخری عظیمی خلعتبری، مخبرالسلطنه فروهر، نورالهدی منگنه، عالیه خانم، ملکه فاتحی و فرخ لقا بودند و آقایان سعید نفیسی، دکتر علیم الملک و ایرج اسکندری نیز با این مجله همکاری داشتند. [خسروپناه، ۱۳۸۱، ۲۵۶] روی جلد مجله «علمی، ادبی، اجتماعی» نوشته شده بود. این مجله تا سال ۱۳۰۵ شمسی به مدت سه سال انتشار یافت و یکی از مشخصات آن نوشتن تمام مقالات توسط دوشیزگان و بانوان می‌باشد. [شیخ الاسلامی، ۱۴۷، ۱۳۵۱]

## روزنامه‌ی نورافشان

روزنامه‌ی **نورافشان** از جمله نشریات بانوان است که در آغاز نهضت بانوان در جنوب ایران منتشر شد. صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن خانم «شوکت سلامی» همسر «عباس سلامی» وکیل دادگستری بوشهر بود. خانم شوکت سلامی در همدان متولد شد و بعد از ازدواج به همراه همسرش به بوشهر رفت و با کمک او مدیریت نخستین دبستان دخترانه دولتی بوشهر را که در سال ۱۳۰۵ تأسیس شده بود به عهده گرفت.

مقالات این روزنامه توسط بانوان بوشهر که تحصیل کرده‌ی هندوستان، عربستان و انگلستان بودند نوشته می‌شد و بیشتر جنبه اجتماعی داشت [شیخ الاسلامی، ۱۳۵۱: ۱۷۰]

## نامه‌ی نسوان شرق

یکی از بانوان روشنفکر و علاقه‌مند به پیشرفت جامعه زنان، بانو مرضیه ضرابی بود که در سال ۱۳۰۵ شمسی (خانم پری شیخ الاسلامی در کتاب **زنان روزنامه نگار ایران** سال ۱۳۰۴ را بیان می‌کند) نامه نسوان شرق را در بندر انزلی انتشار داد. این نامه که مدافع حقوق زنان بود در آغاز و در چند شماره به صورت مجله در ۲۴ صفحه هر پانزده روز یک بار نشر یافت. بعد از مدتی نامه نسوان شرق به گونه‌ی [روزنامه هر ده روز یک شماره راه خود را ادامه داد. [نوزاد ۱۵۲: ۱۳۷۹] **نامه‌ی نسوان شرق** از روزنامه‌های خوب و معتبر گیلان بود که چندی در عالم مطبوعات درخشید و نقش ارزنده‌ای در بیداری زنان ایفا نمود.

## مجله‌ی پیک سعادت نسوان

این نشریه در فروردین ۱۳۰۶ شمسی با کمک و هم‌فکری «انجمن فرهنگ ایران» به مدیریت و صاحب امتیازی خانم روشنگر نوعدوست در رشت انتشار یافت. این مجله هر دو ماه یکبار با چاپ سربی در چاپخانه جاوید چاپ می‌شد قیمت برای اهالی رشت هر سال ۱۲ قران، برای سایر شهرها هر سال ۱۵ قران و برای ممالک خارج هر سال ۲۰ قران تعیین شده بود. [شیخ‌الاسلامی، ۱۳۵۱، ۱۶۹]

مطالب مجله در حد خود وزین و برای جامعه آن روز ایران بسیار آموزنده و مفید بود فهرست مقالات شماره اول به قرار زیر بود: بیان

مقصود، موفقیت ما، به پاس روح مادر، به دختران وطن، نامه یک زن، پیدایش سیاه کاری، مکتبه، علت تیره روزی، زن در جامعه، به نام وطن.

مقالات شماره‌ی دوم، دی ماه ۱۳۰۶: مرده باد عادت، سهم مادرها در ترقی و تجدد ایران، قسمت حفظ الصحه مکتوب از خارجه، ستاره‌های دنباله‌دار، پیدایش سیاه کاری و علت آن، زن و مرد، اختار اداری و امتنان. [نوزاد، ۱۳۷۹، ۱۶۸]

خانم روشنگر نوعدوست، نادره زنی که در راه حقوق اجتماعی و سیاسی و ملی زنان ایران نخستین و بلندترین گام‌ها را برداشت. او در سال ۱۲۷۵ شمسی در رشت در خانواده پزشکی روشنفکر متولد گردید و از پدر سواد خواندن و نوشتن و ادبیات پارسی و زبان فرانسه را آموخت در همین احوال از صدرافاضل زبان و ادبیات عربی و زنده یاد فرهنگ پژوه، شیخ علی تنها، ریاضیات را فرا گرفت و در میان روشنفکران زمان، به وی‌ژه بانوان مترقی و صاحب فضیلت گیلان جای شایسته‌ای برای خود باز کرد. [نوزاد، ۱۳۷۹، ۱۶۹]

او در سال ۱۲۹۷ شمسی یک مدرسه سه کلاسه در رشت تأسیس کرد و هم‌چنین با ایجاد نهضت پیک سعادت نسوان عده‌ای از زنان فرهنگ‌دوست را بگرد هم جمع آورد و از آن پس برای آزادی آنان تلاشی مستمر را آغاز کرد. این بانوی فاضل، برای ترقی و تعالی جامعه بانوان دمی از کوشش باز نمی‌ایستاد به همین جهت تا پایان عمر پرتلاش از احترام و محبت عمیق مردم بهره‌مند بود. مردم گیلان در گذشت او را ضایع‌های تلقی کردند. [نوزاد، ۱۳۷۹: ۱۶۹]

## منابع

- ۱- شیخ لاسلامی، پری، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران، تهران، انتشارات مازگرفیک، ۱۳۵۱.
- ۲- طباطبایی، محیط، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۷۵.
- ۳- صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مطبوعات، اصفهان، انتشارات کمال، ۱۳۲۷ - ۴- نوزاد، فریبون، تاریخ جراید و مجلات گیلان، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۵- خسرو پناه، محمدحسین، هدف‌ها و مبارزه‌ی زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، انتشارات پیام امروز، ۱۳۸۱

## گل و خورشید و عقاب

### بهرنگ امان

ما پرسه‌زنان ز کوی یار آمده‌ایم / با مهر و عقاب از بهار آمده‌ایم.

در سنت زرتشتی، وجود انسان از چهار گوهر تشکیل شده که با یک‌دیگر ارتباط دارد و تاثیر آن‌ها بر یک‌دیگر موجب پویایی انسان می‌شود. این چهار اصل عبارتند از تن و جان که با جهان مادی مرتبط است، چنان‌چه بعد مینوی آدمی از روان و فروهر سرچشمه می‌گیرد. واژه‌ی «فروهر» از بخش فر به معنی (پیش) و وهر به معنی (برنده، کشنده) درست شده است. این گوهر، ارزش‌مندترین پاره‌ی وجودی انسان است. زیرا پرتویی از ذات بی‌کران اهورا مزداست. فروهر، گوهری است که روان را از گرایش به کژی و کاستی و دروغ باز می‌دارد تا روان با آرامش خاطر سیر خدایی را که وجه مشترک تمام ادیان الهی‌ست، سپری کند و شایستگی فراگیری نور حقیقت را داشته باشد و این بیانگر هدایت همه وجود انسان به سیر مستقیم و درست می‌باشد =

اهدنا الصراط المستقیم در دوره‌ی هخامنشیان، آرم ملی، نشانه‌ی برگرفته از تفکرات اشوزرتشت و به شوه‌ی آیین مهر می‌باشد که موجب شکل‌گیری نشان فروهر گردید.

هر کدام از اندام‌های فروهر گویای مفهومی خاص و پر معنی در اندیشه‌ی نیاکان است. شکل آن نشان آن است که فروهر آدمی جهان‌دیده و درک‌مآل تجربه و دانایی و پختگی‌ست و این به نوعی آرامش خاطر را نمایان می‌سازد.

دست راست: برافراشته به جلو نشان توجه به عظمت خداوند لایتناهی (اهورامزدا) و یا طی طریق نمودن راه راست و کامیابی و یاری خواستن از او می‌باشد.

حلقه‌ی دست چپ: نمایانگر عهد و پیمان و پایداری، وفا به عهد و استواری در نیایش خداوند واحد و احترام به آفریدگان است.

بال‌های گشاده که به صورت سه طبقه‌ای رسم شده، نشانگر اندیشه‌ی نیک، گفتار نیک

و کردار نیک است که به سمت بالا و در جهت رسیدن به پیشرفت می‌باشد تا هیچ‌گاه سستی و کاهلی را به خود راه ندهد.

حلقه‌ی میان کمر، نمایانگر زمانی‌ست که انسان در میان آن جای گرفته و بایستی در این جان با نیروی پارسایی و خدانشناسی زندگی کند که وقتی از دایره‌ی روزگار رهایی یافت. دو رشته پیوسته به کمر، نمودار سپینامینو (نیکل) و انگرمنیوی (بدی)‌ست، و باید کوشید که انگرمنیوی (بدی) را پشت سر نهاده و در صدد تحصیل نیروی نیکی بود، تا همواره نیک را گسترش و بدی را محو نماید به قصد تحصیل رضایت خداوند...

قسمت پایین که دامن مانند است و دارای سه طبقه می‌باشد، نشان آن است که با اندیشه‌ی بد، کردار بد مبارزه نموده و بدی را به زیر افکند و پست و زبون ساخت و به یاری اندیشه‌ی نیک، گفتار نیک، کردار نیک به سوی سربلندی و سروری پیش رفت و پرواز نمود.

یکی از اقوام ایرانی که در حدود قرون سوم و چهارم قبل از میلاد وارد ایران شدند، ترکان بودند. که بعدها سلسله‌های قدرتمند غزنویان و سلجوقیان را تشکیل دادند. اقوام ترکمن و ترک، کم‌کم با سایر اقوام آریایی در آمیخته شدند و فرهنگ پربار ایرانی شکل گرفت.

عقاب که در محل زندگی هر دو این اقوام یعنی آسیای مرکزی (خراسان بزرگ) به عنوان سمبل بهار، از ورود به دریاچه‌ی خورشید در محور تقارنی که به سوی بهشت برین می‌رود، شناخته شده بود که در عالم ملکوتی و بسیار دوری با اورمزد ملاقات داشته، پرنده‌ی بزرگ در بالای ستون‌های شهرها در محور متافیزیک خورشید قرار داشت که روشنی و درخشش الهی و آسمانی پشت سرش در بهار و پاک‌ی طبیعت نقش می‌شده و حفره‌ای در سینه‌اش قرار داشته که نشان‌دهنده‌ی دروازه‌ی خورشید بوده و از میان آن پرتوهای نور بهار به سمت خارج جاری می‌شده... کوتاه سخن آن‌که... در بهار سرسبز و لطیف کائنات، در بی‌هوسی و عاشقی، ما گل و خورشید و عقابیم، از نسل بهاریم، جاری چون نسیم روزگاریم...